

هویت‌یابی اسلام و عرب در اشعار محمد مهدی جواهری

دکتر شهریار نیازی^۱

استادیار دانشگاه تهران

سیده فیروزه حسینی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

(از ص ۱۷۵ تا ص ۲۰۲)

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۰/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۵/۱۱

چکیده

محمد مهدی جواهری از شاعران برجسته کشور عراق است. کسی که بیشتر اشعارش را به مفاهیم سیاسی و اجتماعی اختصاص داده است. وی توانست بیش از نیم سده، گرایش خود را به سرودن اشعار میهنی حفظ کند. اگر چه بیشتر اشعار جواهری، دربردارنده جنبش‌ها و قهرمانی‌های کشور عراق است، نباید از نظر دور داشت که وی هیچ‌گاه خود را محدود به کشورش نکرده است. بنابراین، دیدگاه ظلم ستیزی جواهری، تنها منحصر به عراق نمی‌شود و جهان اسلام را نیز دربرمی‌گیرد. در واقع اشعار او بیانگر هویت ملی اسلام و اعراب است. او بنا تکیه بر اصل اسلام، یکپارچگی را در دستور کار خود قرارداد و خواستار همبستگی جهان اسلام گردید. در این مقاله سعی شده است اشعار این شاعر بزرگ را از جنبه ملی‌گرایی اسلامی بررسی کنیم.

واژه‌های کلیدی: محمد مهدی جواهری، ملی‌گرایی، اسلام، عرب

۱. پست الکترونیکی نویسنده مسؤول: shniazi@ut.ac.ir

مقدمه

وابستگی و عشق به میهن به طور فطری در وجود انسان‌ها نهادینه شده است. پیش از اسلام، وطن بیشتر در قالب تعصبات قبیله‌ای و تفاخر به سرزمین نیاکان جلوه‌گر می‌شد. با ظهور اسلام، تعصبات قبیله‌ای جای خود را به وحدت و عقیده اسلامی داد. اسلام ضمن ارج دادن به وطن، عقیده را به عنوان مرز وطن تعیین کرد. امپراطوری عثمانی نیز تحت شعار «اتحاد اسلام» توانست سال‌ها بر کرسی اقتدار باقی بماند. بنابراین ملت عرب نیز آنها را نماد وطن دوستی تلقی می‌کردند. بر همین اساس، زمانی که استعمارگران خواهان فروپاشی این قدرت بزرگ می‌شوند با مخالفت گروهی از روشنفکران عرب چون عبدالرحمن کواکبی، متفکر بزرگ اسلامی روبرو می‌گردند. اینان اگر چه خواهان بازگشت خلافت از ترک‌ها به عرب‌ها بودند، هیچ‌گاه خواهان شکست کشور اسلامی نبودند.

در سال‌های پایانی جنگ جهانی اول، یک رشته جریانات فکری - سیاسی در منطقه خاورمیانه بوجود آید. ضعف امپراطوری عثمانی در مدیریت سرزمین‌های اسلامی، وضع مالیات‌های بسیار سنگین، جنگ‌های طولانی و فشار آن بر مردم، به همراه هجوم استعمارگران که با برنامه‌های از پیش تعیین شده از قبیل انحراف نهادهای فرهنگی، اجتماعی و تأکید برگسترش احزاب ملی‌گرا، سعی در تثبیت قدرت استعماری خود داشتند، یک سلسله بی‌نظمی‌های سیاسی - اجتماعی در جهان عرب و به‌ویژه عراق به‌وجود آورد. در نتیجه، انقلابها و مبارزه‌های سیاسی به‌ویژه در عراق شکل گرفت. در واقع آنچه که سبب گردید مردم، یکپارچه و هماهنگ در مقابل استعمارگران بپاخیزند، حس میهن‌دوستی و احساس مسؤولیت آنها در دفاع از خاک میهن بود. در نتیجه در بسیاری از مناطق استعمارزده قیام‌های مردمی علیه استعمار، از گرایش‌های ملی آنها سرچشمه می‌گرفت. ملیت به عنوان وجه مشترک افراد جامعه، آنان را به صورت یک کل و یک مجموعه پیوسته و هماهنگ در می‌آورد تا در برابر تجاوز و هجوم نیروی بیگانه صف واحدی تشکیل دهند و اجتماع و میهن خود را از

خطر چیرگی بیگانگان و آسیب‌پذیری دور نگه دارند. این نوع ملی‌گرایی در کنار ارج نهادن به ارزش‌های مذهبی نه تنها مورد تأیید اسلام، بلکه مورد اثبات نیز قرار می‌گیرد و مبنای آن همبستگی اجتماعی با تکیه بر ارزش‌های مذهبی و اخلاقی است. در این میان شاعران و نویسندگان، آرام ننشستند و با شعارهای وطن‌خواهی، مردم را برای به دست آوردن حق از دست رفته تشویق می‌کردند. در این راستا می‌توان به محمد مهدی جواهری سراینده بزرگ عراق اشاره کرد که همچون رصافی، زهاوی و محمد صالح بحر العلوم، فضای وسیعی از دیوانش را به این درون‌مایه اختصاص داده است. به طوری که اشعارش در این دوره، بازتاب دغدغه‌های فکری این شاعر دربارهٔ اوضاع جامعهٔ وی و جهان اسلام گردید.

مسأله‌ای که مطرح است، آن است که جواهری چگونه عرق ملی خود را در شعرش به تصویر می‌کشد؟ آیا می‌توان او را به تعبیر امروزی، یک شاعر ملی‌گرای اسلامی به‌شمار آورد؟ آیا او با توجه به مکاتب فکری، صرفاً شعر خود را بر اساس آرمان‌های سنتی سروده است؟ پاسخ به این پرسش‌ها، متن این پژوهش را شکل داده است.

ملی‌گرایی از دیدگاه اسلام

ملی‌گرایی و یا به عبارتی ناسیونالیسم به معنای کلی آن، یعنی میهن پرستی، احساس وابستگی عمیق به میهن و وفاداری مطلق به آن و احساس سهم بودن در سرنوشت کشور تنها عاملی است که سبب می‌گردد تا یک ملت، کشورش را از خطر تسلط بیگانگان و آسیب‌پذیری مصون دارد، اشتراک در آیین، آداب، عمل، اخلاق و اندیشه است. این ملیت است که موجبات همبستگی و پیوستگی را فراهم می‌آورد. اعتقاد به این نوع ملی‌گرایی با گونهٔ مخرب آن، ملت پرستی (شوونیسم) و نژادپرستی (راسیسم) که هر دو از پدیده‌های ضد انقلابی و ضد تکاملی است، جدا می‌شود چرا که ملت‌ها را به سرایشی تند انحطاط رهنمون می‌سازد و از آنها مردمی

ضد انسانی و فاشیست می سازد. این همان جنبه منفی ملت‌گرایی است که از بحث ما خارج می‌گردد.

در واقع ناسیونالیسم منفی عبارت است از تکیه کردن بر نژاد و ریشه قومی خاصی که موجب تفاخر شده و موجبات تعصبات کورکورانه جاهلی و تحقیر کردن سایر ملت‌ها را فراهم می‌آورد. در حالی که اسلام با توجه به این که اعتقاد دارد پیروانش از سرزمین‌ها و نژادهای گوناگون ریشه می‌گیرند، به اصل برجسته برابری یک سیستم حقوقی مذهبی تأکید دارد تا از این رهگذر در میان گروه‌های گوناگون احساس یگانگی به وجود آورد. این همان جنبه مثبت ملی‌گرایی و یا به عبارتی ناسیونالیسم اسلامی است.

امپراطوری عثمانی در آغاز یک حکومت مذهبی بود. همین امر سبب شد تا بتواند یک هویت جهانی به نام اسلام و بدون هیچ‌گونه نژادگرایی اعم از ترک و عرب به دست آورد. (شورای نویسندگان، ۱۳۷۳، ۱۰۹) رفته رفته با شکست‌های سیاسی امپراطوری از اروپاییان و چند دستگی در داخل حکومت و تلاش استعمار برای تبدیل و انتقال هویت اسلامی به ملی و در پی آن شکل‌گیری ناسیونالیست ترک و عرب، ضربه نهایی بر پیکر وحدت اسلامی فرود آمد.

نکته شایان ذکر آن است که ناسیونالیسم عرب از دو منبع عمده الهام می‌گرفت: اول این که میراث‌های تاریخی، اشتراک زبان، سنن قدیمی و گذشته مشترک، همگی وجوه مشترک ملت عرب هستند. نویسندگان عرب به عواملی بیشتر توجه داشتند که در همبستگی عرب‌ها بیشتر مؤثر بوده است. در این امر شماری از مدرن‌گرایان مانند متفکر ایرانی سید جمال‌الدین اسدآبادی و شاگرد او محمد عبده بیشترین سهم را داشته‌اند (ماتیل، ۱۳۸۳، ۴۳۸). نکته دیگر آن است که نفوذ تمدن و فرهنگ غرب در افکار و عقاید ناسیونالیست‌های عرب، تأثیر به‌سزایی داشته است. چرا که اغلب نویسندگان و محققان ناسیونالیسم عرب در مدارس غرب تعلیم یافته و

با تمدن و فرهنگ غرب آشنایی داشته‌اند و تحت تأثیر اندیشه‌های ناسیونالیستی غربی‌ها قرار گرفته‌اند. (نیک آیین، ۱۳۵۴، ۲۴)

امروزه در کنار ناسیونالیسم عربی، اسلام‌گرایی از شور و جذابیت خاصی برخوردار است و ناسیونالیسم اسلامی، وسیله‌ای است برای وحدت امت اسلامی. این اسلام است که مرزها را تعیین می‌کند، نه چیز دیگر.

به طور کلی از ویژگی‌های برجسته مکتب ناسیونالیسم اسلامی می‌توان به دفاع از میهن در برابر بیگانگان، بزرگداشت شخصیت‌های ادبی، ملی، قهرمانان، مبارزان تاریخی کشور، احیای مظاهر باستانی، رسوم کهن، داستانها و اساطیر گذشته و پای‌بندی عمیق به میراث ادبی و تاریخی گذشته و پایبند بودن به اصل وحدت جهان اسلام اشاره کرد. (نقوی، ۱۳۷۴، ۵۰-۴۵).

ناگفته نماند در بسیاری مواقع، وطن دوستی به قومیت‌گرایی نیز کشیده شده است و در میان طبقات مختلف جامعه به ویژه شاعران رواج یافت. بنابراین شعر قومی نیز در اواخر قرن نوزدهم به وجود آمد و به صورت گوناگون در اشعار شاعران بازتاب یافت. برخی از شعرا به مسأله عربیت توجه ویژه‌ای مبذول داشتند و شاعران، اصلاحات در جامعه اسلامی، مبارزه با استعمار و اداره کشور به دست عرب‌ها گردید. گروهی چون عبدالغنی الجمیل به ترک وطن فرا می‌خواندند و ماندن در وطن را چیزی جز تن دادن به خواری نمی‌دانستند. گروهی نیز به مقایسه حال کنونی عراق با گذشته آن پرداختند و از شکوه گذشته آن می‌گفتند. برخی نیز زبان به اعتراض گشودند. حتی حس قومیت‌گرایی نه تنها در میان شاعران و روشنفکران، بلکه در بین توده مردم گسترش یافت. از پیامدهای گسترش این حس، انقلابات پی در پی بود که برای برآوردن هدف بزرگ استقلال به وقوع پیوست (عزالدین، ۱۳۴ - ۱۲۴). در این میان، شاعران و نویسندگانی بودند که با تکیه بر اصل وحدت، شعارهای وطن‌خواهی سر دادند و عشق و علاقه به وطن را با زیباترین جملات و اصطلاحات ابراز داشتند.

زندگی محمد مهدی جواهری

سراینده بزرگ عرب، محمد مهدی جواهری، شاعر شیعه مذهب عراقی در سال ۱۳۱۸ هـ.ق/۱۹۰۰م در خانواده‌ای اهل علم، شعر دوست و مذهبی در نجف به دنیا آمد. وی از کودکی به خواندن اشعار شاعران علاقه داشت و در محافل ادبی نجف شرکت می‌کرد و از همان زمان نحو، صرف، بلاغت و شعر و نثر را به دست استادان متخصص فرا گرفت.

مجموعه‌های ادبی بزرگی از جواهری منتشر شد: *مجموعة بين الشعور والعاطفة*، *دیوان الجواهری*، *برید الغریة* و... تأثیرپذیری اش از قرآن و نهج البلاغه و احاطه او بر اشعار شاعران بزرگ همچون متنبی، ابوتمام، بحتری سبب شد تا به زیبایی در اشعارش تصویرپردازی کند.

دوران زندگی این شاعر بزرگ با وقایع سیاسی و اجتماعی مهمی همگام می‌شود. حتی خودش نیز در صحنه‌های سیاسی حضوری فعال داشته است. شروع اصلی فعالیت‌های او به سال ۱۹۲۱ برمی‌گردد. همان زمانی که اولین سروده‌های سیاسی-اش را با نام «الثورة العراقية» در روزنامه‌ها منتشر ساخت و سر و صداها برانگیخت. حضور فعال او در پهنه‌های سیاسی سبب گردید تا در سال ۱۹۴۶ به طور رسمی به عضویت حزب اتحاد وطنی در آید. در سال ۱۹۵۰ با شعر «إلى الشعب المصری» در کنفرانس فرهنگی در اسکندریه شرکت کرد. در سال ۱۹۸۰ به مخالفت با نظام حکومتی در عراق برخاست و به سوریه مسافرت کرد. (جبران، ۲۰۰۳، ۵۵-۲۳) اشعار بسیاری در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و وطنی از او به یادگار مانده است. قابل ذکر است که پیش از جواهری، شاعران و ادیبانی مثل امین الجندی، رزق-الله حسون حلبی، عبدالرحمن کواکبی، جمیل صدقی زهاوی، سلیم سرکیس و معروف رصافی بسیاری از اشعارشان را به ستم حاکمان عثمانی اختصاص داده‌اند. بنابراین در گسترش اشعار سیاسی پیشگام بودند (الخازن، ۱۹۸۶، ۶۵).

جواهری به وطن عشق می‌ورزید و با وجود وضعیت بحرانی عراق، آن را بسیار دوست می‌داشت. در نتیجه، بسیاری از اشعارش را دربارهٔ وطن سرود. اشعار او به‌عنوان سند تاریخی عراق و جهان عرب محسوب می‌شود. سلمی الخضراء الجیوسی دربارهٔ او می‌نویسد: «نه شعر کلاسیکی عرب و نه شعر معاصر عرب، شاعری همچون جواهری را به خود ندیده که این‌گونه بتواند با سرزمینش و جهان عرب ارتباط برقرار کند و حوادث بزرگی را در شعرش ثبت کند. به همین سبب به شاعر مناسبات لقب یافته است» (الژیوسی، ۳۵۰). جواهری حتی در اشعارش از محیط اجتماعی و طرز زندگی مردم سخن می‌گوید. در قصیده «الطبیعة العراقية» نه تنها مناظر و زیبایی‌های روستای عراقی را وصف می‌کند بلکه ما را از راه‌های معیشت و زندگی آنها و نحوهٔ اخلاق و رفتار مردم آگاه می‌سازد (الخوری، ۱۹۶۰ - ۱۹۵۰، ۳۳۰).

جواهری سالهای آخر عمرش را در دمشق گذراند و در همان جا، خاطرات خود را گرد آورد. خاطراتش، منبع مهمی است برای حوادث و خبرهایی که در روزگار وی اتفاق افتاد. سلیمان جبران دربارهٔ زندگی او می‌نویسد: زندگی این شاعر بزرگ «مجمع الأضداد» یعنی جمع ضدها است: قدیم و جدید، میراث گذشته و حال، کشمکش و انقلاب و شعرش نیز همهٔ آن را در بر دارد (جبران، ۲۰۰۳، ۶۳). اینک به بررسی و تحلیل اشعار او از نقطه نظر ملی‌گرای اسلامی می‌پردازیم.

توجه به دین و مذهب

عامل مذهب به خصوص دین اسلام در رشد ناسیونالیسم اسلامی عرب اهمیت ویژه‌ای دارد. اهمیت اسلام از این نظر است که بیشتر عرب‌ها مسلمانند. دین اسلام مایهٔ اصلی سیستم اجتماعی عرب‌ها است. اسلام از عوامل نادری است که می‌تواند کلیهٔ عرب‌ها را با یکدیگر متحد سازد؛ در نتیجه اصالت دادن به دین، مذهب و عقیده در کنار اصالت دادن به خاک و خون، اساس ناسیونالیسم اسلامی است. جواهری به صراحت از دینش - اسلام - دفاع کرده و به مذهب خود تشیع افتخار می‌کند. وی

در قسمتی از قصیده ابوالعلاء معری به اسلام خویش مباحث کرده است و دین اسلام را هدایت‌گر عرب و عجم به حساب می‌آورد:

آمَنْتُ بِاللَّهِ وَالنَّوْرَ الَّذِي رَسَمْتَ بِهِ الشَّرَائِعَ غَرّاً مَنَهْجاً لِحَبَا
وَصُنْتَ كُلَّ دُعَاةِ الْحَقِّ عَنِ زَيْغِ وَالْمُصْلِحِينَ الْهُدَاةَ، الْعُجَمَ وَالْعَرَبَا
(دیوان، ج ۲، ۱۹۰)

به خداوند و نوری که ادیان روشنی بخش با آن راه آشکار و روشن را به تصویر میکشند، ایمان آوردم و همه فراخوانان برحق و مصلحان هدایت‌کننده از عرب و غیر عرب را از گمراهی حفظ کردم.

وی در قسمتی از اشعارش تأکید می‌کند که با آگاهی کامل اسلام را برگزیده است:

أَنَا لَسْتُ شِيعِيًّا لِأَنَّ عَلِيًّا فَمَيَّ ذَكَرَ الْحُسَيْنِ أَعِيدُ فِيهِ وَأُطْنَبُ
وَبِأَنَّ أُمَّيَ أَرْضَعْتَنِي حُبِّهِ وَلِأَنَّهُ لِأَبِي وَجَدَى مَذْهَبُ

من از آن جهت شیعه نیستم که تنها ذکر حسین بر لبم بوده و آن را تکرار کنم و به تفصیل بگویم و نه اینکه مادرم عشق و محبتش را با شیر به من نوشانید و یا به این دلیل که پدرم و جدم شیعه مذهب بودند.

جواهری حتی نسبت به همه کسانی که به شیعه بی‌احترامی می‌کردند، با قاطعیت برخورد می‌کرد. در این مورد می‌توان به ماجرای سال ۱۹۲۷ اشاره کرد که از سالهای مهم در شخصیت ذاتی و شعری وی است. زمانی که شاعر از نجف به بغداد سفر کرد و در همان زمان استاد انیس النصولی، استاد سوریه‌ای در عراق تاریخ تدریس می‌کرد. وی کتابی درباره دولت اموی در شام با نام «الدولة الأموية في الشام» نوشت. این کتاب خشم محافل شیعه را برانگیخت. مؤلف به بدگفتن به شیعه و حسین بن علی علیه السلام متهم شد. در پی آن وزیر معارف عبدالمهدی المتفککی که شیعی بود، النصولی را از تدریس برکنار کرد. جواهری نیز به این مناسبت شعری سرود که آن را

«تحية الوزير» نامید و در آن عمل وزیر مذکور را ستود و النصولی و دوستان سوریه-ای اش را نکوهش کرد. (جبران، ۲۰۰۳، ص ۳۴-۳۳)

جواهری با افرادی که افکار و اندیشه‌های خرافی نسبت به دین دارند به مخالفت برمی‌خاست و در اشعارش، مخالفت خود را به‌طور علنی اعلام می‌کرد:

أنا ضدَّ الجمهورِ في العيشِ و التفكير طراً و ضِدَّهُ في الدينِ
التقاليدُ والمُداجاة في النَّاسِ عَدُوٌّ لِكُلِّ حُرِّ فِطِينِ
(دیوان، ج ۱، ص ۲۶۵)

من در راه و روش زندگی و اندیشه با توده مردم مخالفم. سنتها و ظاهر سازیها و چاپلوسی‌های رایج در میان مردم، دشمن همه افراد آزاد و زیرک است.

از ابیات دیگری که عشق او را به شیعه نشان می‌دهد:

فداءً لِمُشَاكٍ مِنْ مَضْجَعٍ تَنَوَّرَ بِالْأَبْلَاحِ الأَرُوعِ
وَرَعِيًّا لِيَوْمِكِ يَوْمِ الطُّفُوفِ و سَقِيًّا لأَرْضِكَ مِنْ مَصْرَعِ
(همان، ج ۲، ص ۲۶۶)

جانم فدای خاک قبرت باد که با چهره نورانی و زیباییت، روشن گشته است. خداوند کربلا را پاس و زمین تو را از نابودی نگه دارد.

عشق به وطن و دیگر کشورهای اسلامی

دلبستگی به میهن از زیباترین و قوی‌ترین سازمانیهایی است که به‌طور فطری در وجود انسان‌ها نهاده شده است. این تعلق تا آنجا است که انسان میهن را چون مادری مهربان می‌داند و در فراق آن ناله از دل بر می‌آورد. این عشق به میهن نه تنها نکوهیده نیست بلکه نشانه‌ای از غیرت و استواری و عزم انسان به زادگاه و خاستگاه خویش است. افزون بر این، بدون تعلق، بی بند و باری به وجود آورد (داوری، ۱۳۶۳، ۷۵). اوج حس وطن دوستی و ملی‌گرایی در منطقه خاورمیانه به اواخر قرن نوزدهم برمی‌گردد. البته درباره کشور عراق باید گفت که حرکت میهن‌دوستی در این کشور از سال ۱۹۲۰ شروع شد. از این سال بود که قیمومیت انگلستان سه گروه ممتاز را گرد

هم آورد: عرب‌های سنی، شیعه و کردها. در میان این سه گروه، هیچ وابستگی سیاسی واقعی وجود نداشت. همگی بخشی از امپراطوری عثمانی بودند. نخستین پادشاه عراق، فیصل اول به این نکته اشاره می‌کند: «باید بگویم هنوز یک مردم عراقی وجود ندارد. بلکه توده‌های غیر قابل‌تصور از آدم‌هایی وجود دارد عاری از هرگونه فکر و ایده میهن‌پرستانه، پر از سنت‌های مذهبی که با هیچ پیوند مشترکی با یکدیگر مرتبط نیستند» (ماتیل، ۱۳۸۳، ۱۲۵۸). بعد از تشکیل عراق کم‌کم زمزمه‌های میهن‌دوستی و وطن‌پرستی در میان افراد آشکار گشت و عراقی‌ها تشویق شدند خود را به عنوان وارثان فرهنگی و تمدنی اسلام قرون وسطایی معرفی کنند.

جواهری توانست بیش از نیم سده، گرایش خود را به سرودن اشعار میهنی حفظ کند. ناگفته نماند حضور مستقیم جواهری در صحنه‌های سیاسی و وابستگی او به احزاب وطنی در سرودن این اشعار بی‌تاثیر نبوده است (الواعظ، ۱۹۷۴، ۳۴۳). از اشعار زیبای جواهری که عشق به وطن را به نمایش می‌گذارد:

أنا العراقُ، لسانی قلبه و دمی فرأته و کیانی مننه أشطارُ

(دیوان، ج ۳، ۱۸۹)

من عراقم، زبانم قلب او و خونم آب فراتش و وجودم پاره پاره شده از آن است. جواهری را باید مصداق کامل این بیت دانست، او وجود خود را عراق می‌داند عراق با گوشت و خونس آمیخته است.

وی در ابیاتی دیگر زندگی خود را وقف وطن می‌داند و موجودیت خود را وابسته به اصلاح کردن آن:

حیاتی للعراق فدی و وقف علی وطنی ومصلحه کیانی

می‌بینیم عشق به وطن در نظر این شاعر، بالاتر و مقدس‌تر از هر چیز دیگری است. او حاضر است در راه وطن، نه تنها از زندگی، بلکه از موجودیت خود بگذرد. وی با استفاده از کلمات وقف، فدی و وطن، عشق و علاقه‌راستین خود را به سرزمینش به نمایش گذاشته است.

باز از زیباترین تصویرپردازی‌های جواهری در عشق به وطن در ابیات زیر جلوه-
گر شده است:

يا صورة الوطن المهديك معرضه أشجى وأبهج ما فيه من الصور
غيومه وانبلاج الشمس والقمر وقبضه وانبلاج الليل والسحر
(دیوان، ج ۱، ۷۴)

- شگفتا از وطنی که دیدن آن به تو غمناک‌ترین و شادترین صحنه‌ها را می-
نمایاند.

- وطنی که ابرهای تاریک، درخشش خورشید و ماه، گرما و سرمای شب و
صبحگاهان را بر تو آشکار می‌سازد.

وی در این بیت با کنار هم قراردادن کلماتی مثل أشجی وأبهج / الشمس والقمر /
قبض وانبلاج / الليل والسحر، زیبایی خاصی به شعر بخشیده است. جواهری به این
ابیات بسنده نمی‌کند. براین باور است که حتی نام عراق، احساسات او را برمی‌انگیزد.
بنابراین این گونه مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهد که به نام عراقی برای من آواز
بخوان تا آه و ناله مرا برانگیزی.

عَنِّي باسمِ عراقِي تشجني واترك الشَّامَ و خَلَّ اليمنا
و در ابیاتی دیگر بغداد، پایتخت عراق را خطاب قرار داده و از مشکلاتی که
احتمال دارد گریبان‌گیر این کشور شود، احساس خطر می‌کند:

بغدادُ يا قلبَ العراقِ ووعيه وضميره لا زعزعتك رياحُ
(دیوان، ج ۳، ص ۲۱۰)

بغداد ای قلب عراق و هوشیاری و وجدان آن، مبدا که باد تو را بلغزانند (مبدا
حادثه ای ناگوار برایت پیش آید).

جواهری به دلایل مختلف از وطن دور مانده است. بنابراین تجربه تلخ غربت را
با تمام وجود حس کرده است. سفرهای بسیار و دوری او از عراق، ذره‌ای از عشق و
علاقه او به وطن نکاسته است. وی در سفرش به ایران با وجود این که محو

زیبایی‌های این کشور می‌شود لحظه‌ای از یاد وطن غافل نمی‌شود. در قصیده‌ای که به دوستانش می‌نویسد شور و شوق دیدار وطن را به تصویر می‌کشد:

كُلُّ لِيَالِكُمْ هَنِيئاً لَكُمْ بِيضٌ وَ دَهْرِي كُلُّهُ فِي مَحَاقِ
يَكْفِيكُمْ مِنْ لَوْعَتِي أَنَّنِي فِي فَارِسِ اشْتِاقِ قَطْرِ الْعِرَاقِ
لَا سُوحُهَا وَ هِيَ جَنَانُ زَهْتِ بَكُلِّ مَارِقٍ جَمَالاً وَرَاقِ
وَ لَا الرَّبِّي مُخْضِرَةٌ تَزْدَهِي حُسْنًا حَاوِشِيهَا اللَّطَافُ الرِّقَاقِ
تَنَالُ مِنْ شَوْقِي وَ هَلْ سَلْوَةٌ لِمَنْ قَضَى اللَّهُ لَهُ أَنْ يُشَاقِ
(همان، ج ۱، ۱۴۶)

همه شب‌های شما بر شما گوارا باد که همگی (همه شبها) برای شما مهتابی‌اند در حالی که روزگار من در تاریکی و محو شدن است.

از بی‌تابی من برای شما همین بس که من در سرزمین فارس اشتیاق سرزمین عراق را دارم.

نه منطقه‌های آن که همچون بهشت گونه است، با همه زیبایی‌هایی و سرسبزی‌هایی که دارد

نه تپه‌های سرسبز که کناره‌های لطیف و نرم آن می‌درخشد، هیچ چیز از شور و اشتیاق من به عراق نمی‌کاهد، آیا برای آن کسی که تقدیر خداوند بر این بود که او عاشق شود قرار و آرامشی است.

جوهری در سال ۱۹۲۴ شعری درباره بغداد سرود که بسیار زیبا و رؤیایی وطن را به تصویر می‌کشد و از نسیم می‌خواهد تا سلام او را به رصافه برساند. به‌کارگیری تشبیهات و عبارات دل‌نشین و جملات ندایی، شرطی و استفهام انکاری زیبایی خاصی به شعرش بخشیده است:

يَا نَسْمَةَ الرِّيحِ مِنْ بَيْنِ الرِّيحِينَ حَيِّ الرُّصَافَةَ عَنِّي ثُمَّ حَيِّنِي
إِنْ لَمْ تَمُرِّي عَلَيَّ أَرْجَاءُ شَاطِئِهَا فَلَيْتَ لَمْ تَحْمِلِي نَشْرًا لِإِدَارِينِ
أَهْدِي لِي ذِكْرَ عَصْرِ قَدْ حَيَّيْتُ بِهِ مَنْ عَلَّمَ الرِّيحَ أَنَّ الذِّكْرَ يُحْيِينِي

(همان، ۱۳۴)

جواهری همان‌طور که از عشق و علاقه خود از عراق می‌گوید، از دیگر کشورهای جهان اسلام غافل نمی‌شود. وی درباره زیبایی‌های سوریه، مصر، ایران، فلسطین و... اشعار زیبایی سروده است. او در خاطراتش از سفرش به فلسطین و از سرودن شعر «یافا الجمیلة» در هوایما سخن به میان می‌آورد و شور و اشتیاق خود را نسبت به فلسطین بیان می‌کند و از اینکه این سروده در فلسطین مورد پذیرش همگان قرار می‌گیرد ابراز خرسندی می‌کند. او در خاطراتش از زیبایی‌های فلسطین می‌گوید و آن را به بهشت پنهان تشبیه می‌کند: «رأيتُ فلسطین العربیة، رأيتُ الجنان، ولمست رهبة المسجد الأقصى ورأيتُ الیافا الجمیلة العافیة علی البحر ورأيتُ الفردوس المفقود بکلّ معنی الکلمة...»

عشق او به فلسطین، دوری او از فلسطین را برای او سخت کرده است: «کان فراق الفلسطین فی الروح والقلب». همین سبب شد تا شعر «الیأس المنشود» را بسراید و خودش آن را از برگزیده ترین اشعارش به حساب بیاورد.

جواهری درباره بسیاری از کشورها از جمله لبنان، مصر، ایران و سوریه اشعار زیادی سروده است. در قصیده «فی الثورة السوریة» (همان، ص ۱۷۹) از مشکلاتی که بر آن کشور رفته است ابراز حزن و اندوه می‌کند:

«مثل الّذی بکّ یا» دمش ————— ق «من الّأسی و الحزن ما بی»

و بعد هم عنوان می‌کند که این اشک‌های من، مبین آتش عشق من نسبت به توست:

دمعی یُبین لک الجوی و الّدمع عنوان الّکتاب

وی از مردم دمشق می‌خواهد تا برای رسیدن به آرزوها انقلاب کنند:

ثوری «دمشق» فائما نیل الّامانی فی الطّلاب

در پایان، جوانان سوریه را خطاب قرار می‌دهد و آن‌ها را سرزنش می‌کند از این‌که سوریه که مادر شیرها بود، چراگاهی برای گرگ‌ها شده است:

شُبَّان سوریَا الَّذِینَ تناوشوا قمم السحاب
 لکم العتاب و إنما عتب الشباب علی الشباب
 سوریه أم الضراغم أصبحت مرعی الذئاب.

بیان مشکلات جامعه اسلام

نفوذ بیگانگان در خاورمیانه از قرن نوزدهم آغاز شد. درباره عراق باید گفت این کشور پس از جنگ جهانی اول از سه ولایت بغداد، بصره و موصل تشکیل می‌شد. تا سال ۱۹۱۷ بغداد و سراسر عراق به تصرف انگلستان در آمد (نظمی، ۱۹۵۳، ۸۹). انگلستان پس از جنگ، از یک خط‌مشی و سیاست معین در عراق پیروی نکرد. بلکه با ایجاد احزاب و گروه‌های مختلف سیاسی، اختلافات مذهبی و فشار بر روحانیان شیعه، سعی در برهم شکستن وحدت اسلامی را داشت. تا سال ۱۹۲۰ این کشور تحت حکومت نظامی بود و به‌عنوان موجودیت سیاسی به مفهوم کشور امروزی وجود نداشت. این هم برای طبقه عامه و هم طبقه روشنفکر اثرات نامطلوبی داشت. آن‌ها می‌دیدند که کشور سوریه به استقلال رسید. و عراق همچنان زیر سیطره بیگانگان است. بنابراین مردم و بویژه طبقه روشنفکر آرزوی استقلال ملی داشتند (المقدسی، ۱۹۷۷، ص ۱۶۳). همین امر انقلابات و کودتاهایی را در سراسر کشور برانگیخت، ولی از طرف انگلستان سرکوب می‌شد. انگلستان برای فرونشاندن این شورش‌ها اداره امور عراق را به کاکس واگذار کرد و امور داخلی عراق به خود عراقی‌ها واگذار شد و کارهای مهم را مشاوران انگلیسی انجام می‌دادند. این‌ها با آرمان‌های ملی عرب تطبیق نمی‌کرد. آنها خواهان حکومت مستقل ملی بودند. همین نارضایتی‌ها سبب همبستگی مسلمانان بخصوص شیعه و سنی گردید. و از این تاریخ بود که عراق بیش از هر کشور دیگری به مسأله اتحاد عرب‌ها و عربیت توجه کرد و برای تحکیم مبانی عربیت در خاورمیانه شورش‌های زیادی به بار آورد (ماتیل، ۱۳۸۳، ۳۱۹-۳۱۰).

دیری نپایید که در گوشه و کنار کشور قیام‌هایی در گرفت و کشور به حالت ناامنی درآمد. مشغول بودن دولت‌مردان به حل مسائل سیاسی سبب شد تا آن‌ها در حل معضلات اجتماعی بازمانند. فقر و گرسنگی، بدبختی، بیدادگری و جهل، کشور را فرا گرفت. این مسأله از دید شاعران به‌ویژه جواهری پنهان نماند. حتی به جرأت می‌توان گفت جواهری نسبت به هر شاعر دیگری به بیان آرزوها و دردهای جامعهٔ زمانش پرداخته است. موضوعی نیست که از دید او پنهان مانده باشد. درون‌مایه‌هایی چون عدالت، برابری زن و مرد، وضعیت کشاورزی و مشکلات کشاورزان، کارگر و تنگدستی به زیبایی در اشعار او انعکاس یافته است.

جواهری نیز همچون دیگر شاعران عراقی، زهاوی، رصافی کاظمی و محمود الملاح در حوادث سیاسی کشورش شرکت کرد. موضوعات شعری و اغراض سیاسی این شعرا با دیگر شاعران فرق دارد (الواعظ، ۱۹۷۴، ۳۴۴). او از انقلابیان ۱۹۲۰ بر ضد اشغالگران انگلیسی بود و قصیدهٔ ۸۵ بیتی «الثورة العراقية» را سرود. از آنجایی که جواهری به اتحاد دنیای اسلام عقیده داشت در این قصیده نه تنها عراق بلکه شرق به‌ویژه جهان عرب را مورد توجه قرار داد و در آن عرب‌ها و مسلمانان را به اتحاد و ایستادگی در صفا یکپارچه و کنار گذاشتن اختلافات قبیله‌ای و نژادی برای مبارزه با استعمار و مقاومت در برابر دسیسه‌های آن فراخواند. از آن تاریخ به بعد زندگی این شاعر بزرگ بر ضد ستم و بیدادگری و برای کسب آزادی ملت عراق و امت عربی گذشت و او به دور از تکلف و تصنع ندای دفاع از وطن سر داد:

تُرَدِّدُهَا أَسْوَاقُهُ وَالشَّوَارِعُ	تُحَدِّثُ أَوْضَاعَ الْعِرَاقِ بِنَهْضَةٍ
كَنَائِسُهُ تَدْعُو فِتْبَكِي الْجَوَامِعِ	وَقَدْ خَبَّرُونِي أَنَّ فِي الشَّرْقِ وَحْدَةً
«فَلأَبْدُ يَوْمًا أَنْ تُرَدَّ الْوَدَائِعُ»	هَبُوا أَنْ هَذَا الشَّرْقُ كَانَ وَدِيعَةً

(دیوان، ج ۱، ۵۶)

جواهری از این که وطنش ستم دیده و مورد إهانت قرار گرفته با همه وجود ابراز ناراحتی می کند و عنوان می کند که وطن، قدرت تحمل مصیبت های پی در پی را ندارد:

بکیتُ وما علی نفسی ولکن علی وطنٍ مُضامٍ مُستهانِ
علی وطنٍ عجیفٍ لیسَ یقوی علی نُوبٍ مُسلسلَةٍ سِمانِ
(همان، ص ۲۲۰)

جواهری مردم را خطاب قرار می دهد و از آن ها می خواهد زیر بار خواری نروند. او تن دادن به خواری را به زخمی تشبیه می کند که مرهمی ندارد:

إیـاکم والـذلَّ إنَّ جرحه لا یضمـدُ
لا عاشَ شعباً أهله لسانهم مقیدُ
(همان، ص ۵۰ و ۵۳)

وی با صراحت چهره واقعی استعمارگران را رسوا می سازد و می گوید: استعمارگران خواهان اصلاح کشورند در صورتی که خودشان مایه هرگونه فساد بوده اند:

عجباً ترومُ صلاحَ شعبک ساسةً بالأمسس کانوا أصلَ کُلِّ فسادِ
(همان، ص ۸۴)

جواهری به وعد و وعیدهای بی اساس بیگانگان در اشعارش می پردازد و آن را به سرابی تشبیه می کند که ظاهری فریبنده دارد:

غرورٌ یمیننا الحیاةَ و صفوهاً سـرابٌ و جناتُ الأمانی بلاقعُ
(همان، ص ۵۵)

چیزهای باطل و بیهوده ما را به زندگی نوید می دهد در حالیکه خوشی آن سراب و باغ های آرزوهای آن خشک و بدون سکنه است.

جواهری تنها به ذکر مشکلات بسنده نمی کند. بلکه پس از بیان مشکلات و دعوت به مبارزه و آزادی خواهی، آینده ای آرمانی را برای مردم به تصویر می کشد و

از این رهگذر می‌خواهد حس امید و خوشبینی را در آن‌ها زنده نگه دارد و آن‌ها را به مبارزه تشویق کند:

إِنْ كَانَ طَالَ الْأَمْدُ فَبَعْدَ ذَا الْيَوْمِ غَدُ
أَسِيفُكُمْ مُرْهَفَةٌ وَ عَزْمُكُمْ مُتَقَدُّ
هَيَّوْا كَفْتُكُمْ عِبْرَةً أَخْبَارُ مَنْ قَدَّ رَقَدُوا

(همان، ص ۵۰)

در سال ۱۹۵۱ در شعر «تنویمه الجیاع» به بیان وضع گرسنگان و پیامدهای ناشی از گرسنگی می‌پردازد و از نظام اقتصادی آن زمان شکایت می‌کند. در این سروده از مردم می‌خواهد که اگر می‌خواهند از ستم و خفقان در امان باشند، باید تا قیامت به خواب فرو روند تا زمانی که اجازه برخاستن به آنها داده شود. البته قابل ذکر است که بعد از چاپ این قصیده در روزنامه «الأوقات البغدادية»، دولت روزنامه را می‌بندد و سبب می‌شود تا جواهری به مصر سفر کند (جبران، ۲۰۰۳، ۵۵). طنز گونه بودن این شعر سبب تأثیر دوچندان آن بر دل و جان خواننده می‌شود:

نامی جِیَاعَ الشَّعْبِ نَامِي حَرَسْتُكَ آلِهَةَ الطَّعَامِ
نَامِي فَإِنْ لَمْ تَشْبَعِي مِنْ يَقْظَةٍ فَمِنْ الْمَنَامِ
نَامِي تَزْرِكُ عَرَائِسُ الْـ أَحْلَامٍ فِي جُنْحِ الظُّلَامِ
نَامِي تَصَحَّيْ! نَعِمَ نُو مُ الْمَرءِ فِي الْكُرْبِ الْجَسَامِ
نَامِي إِلَى يَوْمِ النَّشْوِ رِ يَوْمِ يُوْذَنُ بِالْقِيَامِ

(دیوان، ج ۳، ۷۴)

بخوابید! ای گرسنگان ملت بخوابید تا خداوندانِ طعام، نگهبان شما باشند. /
بخوابید. اگر از بیداری سیر نمیشوید پس از خواب سیر شوید. / بخوابید تا
عروس‌های رؤیاهای شما را در تاریکی زیارت کند. / بخوابید تا سالم بمانید در

گرفتاری‌های بزرگ. خواب برای انسان چقدر خوب است. / بخوابید تا روز قیامت تا اجازه برخاستن بیابید.

قابل ذکر است عبارت «آلهة الطعام» در این ابیات ابتکار خاصّ جواهری است. در مقابل «رَبَّة الشعر» و «إلهة الفن» که تحت تأثیر ادب غربی است. می‌بینیم که جواهری چقدر زیبا قدیم و جدید را در کنار هم آورده است. در بیت سوم نیز ترکیب «عروس الإحلام» تحت تأثیر ادب قدیم «فارس الأحلام» است.

قصیده دیگر او «المجلس المفجوع» «مجلس مصیبت زده» است که در سال ۱۹۲۹ سروده و در آن با صراحت بر نمایندگان مجلس عیب می‌گیرد و آن‌ها را به چوب خشکی تشبیه می‌کند که هیچ اراده‌ای از خود ندارند و باید با اجازه دولت و استعمارگران، رأی «آری» یا «خیر» بدهند.

ولقد أقولُ لرافعینَ أصابعاً لیست تُحسُّ كأنها أحطابُ
 رهن الإشارة تختفی أم تعتلی وینالُ منها السَّلْبُ والإیجابُ
 ماذا نویتُم سادتی : هل أنتم بعد الرئیس، كعَهده، أخشاب

(همان، ج ۱، ۲۷۲)

تجلیل از شخصیت‌های ادبی و ملی جهان اسلام

بزرگداشت شخصیت‌های ملی، ادبی و تاریخی کشور از موضوعات مورد علاقه شاعرانی است که اشعارشان را وقف کشورشان کرده‌اند و از این راه فخر و برتری خود را به دیگر جوامع اعلام می‌کنند. با دقت در اشعار جواهری در می‌یابیم شمار اشعاری که او در این زمینه سروده کم نیست. حتی در خاطراتش نیز از شخصیت‌های ادبی و تاریخی کشورش سخن به میان می‌آورد. این بیانگر ارج نهادن او به برجستگان ملی و تاریخی است. وی درباره جشن یازدهمین سال وفات أبوالعلا معری که در سال ۱۹۴۴ در دمشق برگزار شد، اظهار شادمانی می‌کند و در خاطراتش از اهمیت این جشن در حفظ میراث عربی می‌گوید و آن را از برتری جهان عرب می‌داند که این‌گونه در حفظ میراث گذشته کوشش می‌کند. سروده خود در ستایش

ابوالعلاء، را تاج شعرهایش به شمار می‌آورد و آن را تشبیه به نوزادی می‌کند که انتظارش را می‌کشد. «كانت القصيدة قد تبوأ تاج قصائدی و ملكت شغاف قلبی وأصبحت المولود الذي انتظرته بفارغ الشوق والصبر واللهفة و من حسن حظي أن استطعت أن أنهى القصيدة قبل الافتتاح بيومٍ واحدٍ» (الجواهری، ذکریاتی، ۱۹۸۸، ج ۲، ۴۱۸). شروع زیبایی قصیده حکایت از صدق عاطفه راستین شاعر دارد.

قِف بالمعرة و امسح خدّها الترابا واستوح من طوق الدنيا بما وهبا
واستوح من طَبَب الدنيا بحكمته و من على جرحها من روحه سكبنا
(دیوان، ج ۲، ص ۱۸۶)

در معره لحظه‌ای توقف کن و بر رخسار خاک آلود آن دستی بکش و از کسی که با تقدیم شعر، دنیا را گرفت، الهام بگیر. پیرس از کسی که دنیا را با حکمتش درمان کرد و از روحش بر زخم دنیا مرهم گذاشت.

جواهری به متنبی نیز نظر ویژه‌ای دارد و او را نمونه‌ی والا به شمار می‌آورد و افتخار می‌کند که جهان عرب، شخصیتی چون متنبی دارد. کسی که دنیا را ساخته است:

فيا ابن الرافدين، ونعم فخرُ بأن فتى بنى الدنيا فتانا
(همان، ج ۴، ص ۲۳۹)

وی متنبی را والامقام‌تر از هر کس دیگر می‌داند. / فَمَنْ ذَا كَانَ أَرْفَعَ مِنْكَ شَأْنًا؟ و یاد او را در بین مردمان زنده می‌کند و بر این باور است که او هیچ‌گاه فراموش نمی‌شود: وَأَنْتَ سَوْفَ تُبْعَثُ مِنْ جَدِيدٍ. (همان، ص ۲۴۳)

در شعری که به مناسبت مرگ حافظ ابراهیم سرود، علاقه وافر خود به این شاعر بزرگ به نمایش می‌گذارد و از این‌که خاک، شخصیتی را در بر گرفت که همه سخش دلنشین و دوست داشتنی بود، ابراز حزن و اندوه می‌کند: «حوى الترابُ لساناً كُلهُ مَلْحٍ». (همان، ج ۲، ص ۵) همچنین در بیتی دیگر با به‌کارگیری کلمه «أَرِيحِيَّة» که منشأ خصلت‌های خوب است، او را سرچشمه نیکی و بخشندگی می‌داند «لَلأَرِيحِيَّة

منشأه و مصدره». جواهری از دست دادن حافظ ابراهیم را به از دست دادن چشم تشبیه می‌کند: «إِنَّا فَقَدْنَا فَقْدَ الْعَيْنِ مُقْلَتَهَا» و از انس خود با اشعارش می‌گوید:

فَمَا تَزَالُ مَدَى الْأَيَّامِ تَوْنُسُنَا نَظَائِرُ مِّنْ قَوَافِيهِ وَأَشْبَاهُ
(همان، ص ۶)

در طول روزگار، همواره اشعار و قوافی وی ما را همراهی کرده است. در پایان شعر نیز حس نوع دوستی‌اش را با کلماتی که از سوز دل برخاسته است این‌گونه به خواننده انتقال می‌دهد:

لَبِستُهُ وَدَمَوْعُ الْعَيْنِ فَائِضَةٌ وَالنَّفْسُ جِيَّاشَةٌ وَالْقَلْبُ أَوْاهُ
(همان، ص ۷)

او را «از دست دادم» در حالی که اشک چشم ریزان است و جان به جوش آمده است و قلب آه می‌کشد.

جواهری نه تنها به شخصیت‌های ادبی پرداخته بلکه به قهرمانان ملی نیز توجه داشته است. در این باره میتوان به سروده او درباره جمال الدین افغانی اشاره کرد:

جَمَالُ الدِّينِ يَا رُوحاً عَلِيّاً تَنَزَّلَ بِالرَّسَالَةِ ثُمَّ عَادَا
وَكَانَتْ عُرْوَةٌ وَتَقَى تَرْجِي لِمُنْقَسِمِينَ حُبّاً وَاتِّحَادَا
(همان، ج ۲، ۱۹۳)

جمال الدین، ای روح والایی که با رسالتی فرود آمد، سپس بازگشت. عروۀ الوثقی برای کسانی که محبت و وحدت خود را میان دیگران تقسیم کردند به جلو هدایت شد.

از قهرمانان ملی و ادبی که در نظر جواهری اهمیت ویژه‌ای داشت، محمد سعید الحبوبی شاعر و مرد دین بود که تحت تأثیر حرکت جمال الدین افغانی بود و فرمانده لشکر ضد بریتانیا و از برجسته‌ترین شعرای زمانش که با کاظمی، احمد صافی نجفی، زهاوی، رصافی، شیبی و علی شرقی هم دوره بود. جواهری بسیار تحت تأثیر او قرار

داشت و برای این شاعر احترام خاصی قائل بود (شعبان، ۱۹۹۷، ۱۰۷). از مبارزان راه آزادی و از پیشوایان نهضت بیستم شیخ خالصی است که به دلیل مبارزات ضد استعماری انگلیس به ایران تبعید شد و در این کشور جان سپرد. جواهری در سروده زیبایی با نام «فی ذکری الخالصی» از او تجلیل می‌کند:

اللَّهُ يَجْزِيكَ الْجَمِيلَ فَكُلُّ مَا خَلَفْتَهُ فِي الْمُسْلِمِينَ جَمِيلٌ
وَبَذَرْتَ لِلْأَوْطَانِ أَشْرَفَ بَذْرَةٍ سَتَطُولُ أَفْرَاحُ لَهَا وَأَصُولُ
(دیوان، ج ۱، ۱۸۷)

خداوند. همه نیکی‌ها را به تو پاداش دهد. هر آنچه را برای مسلمین به جا نهادی زیباست.

برای وطن‌ها با ارزش‌ترین بذر را کاشتی که شاخه‌ها و رشته‌های آن طولانی خواهد شد «همه جا را فرا خواهد گرفت».

جواهری در بزرگداشت یاسین هاشمی، رئیس حزب اتحاد وطنی، اشعار زیر را سرود. او یاسین را در میان مردان یکتا می‌داند و جهاد و مبارزه او را بهترین جهاد به شمار می‌آورد و بر این باور است که او برای آگاهی و بیداری و هدایت مردم گام برداشت:

قَدَكُنْتَ فَذًا فِي الرِّجَالِ نُبُوغُهُمْ وَقَفَّ عَلَى التَّبَجِيلِ وَالتَّعْظِيمِ
وَجِهَادُهُمْ خَيْرُ الْجِهَادِ لِأُمَّةٍ تُهْدِي إِلَى نَهْجٍ أَغْرَقُوهُمْ
(همان، ج ۲، ۱۱۹)

زنده کردن شکوه گذشته عرب‌ها

حفظ میراث گذشته و سنن تاریخی کشور در تشکیل ملی‌گرایی عرب، سهم بسزایی دارد. این میراث، نمایانگر موجودیت یک ملت و تاریخ مشترک آنهاست. پیروان این مکتب از یادآوری این داشته‌ها بر خود می‌بالند. اگرچه ممکن است در تاریخ گذشته عرب‌ها موارد و مسائلی وجود داشته باشد که یادآوری آن برای وحدت عرب‌ها ناخوشایند باشد. اما هرگاه محققان ناسیونالیسم بخواهند میراث تاریخی را

به‌عنوان یکی از عوامل تشکیل دهنده ناسیونالیسم تلقی کنند، منظور آنان بیان بخش‌های خوشایند آن است. جواهری همچون دیگر شاعران هم عصرش به گذشته کشورش پرداخت. کسی که شاهد ضعف دولت در مدیریت کشور، حضور بیگانگان و نفوذ آنها در دستگاه دولتی، فساد دستگاه حاکمه، جنگ‌های طولانی و فشارهای مختلف آن بر مردم، آشوب، فقر، بدبختی و درماندگی بود چگونه می‌تواند به گذشته برنگردد و به مقایسهٔ اوضاع کنونی عراق با گذشتهٔ آن نپردازد؟ او به‌عنوان شاعر ملی آیا می‌تواند از گذشته چشم‌پوشد؟ جواهری برای بیان اوضاع تاریخ روز و برای استفاده از تجربیات گذشته، برای راه حل بحرانها و مشکلاتی که در سر راه جامعه سبز می‌شود به تاریخ گذشتگان توجه دارد و همواره می‌کوشد به آنها استناد کند. او برای اثبات سخنانش به گذشتگان پناه می‌برد. وی در شعری با نام ابوالعلاء معری وقتی از انقلاب و آزادی سخن به میان می‌آورد به حضرت عیسی مسیح اسناد می‌کند که او نیز یکی از قربانیان این راه بوده است:

لثورة الفکر تاریخٌ یُحدِّثنا بِأَنَّ الْفَ مَسِيحٍ دُونَهَا صُلْبَا

(همان، ج ۲، ص ۱۸۷)

نهضت اندیشه، تاریخی دارد که برای ما سخن می‌گوید به این‌که هزاران مسیح برای آن به دار کشیده می‌شود.

وقتی از اوضاع نابسامان داخلی به تنگ می‌آید، آرزو می‌کند که ای کاش هارون از خاک بر خیزد تا شاهد نارسایی‌های کشور باشد:

لَيْتَ الرَّشِيدُ يُعَادُ مِنْ بَطْنِ الثُّرَي لَيَّرِي أَلَذَى شَاهَدَتْ فِي بَغْدَادِ

(همان، ج ۱، ص ۸۴)

تباهی مملکت به حدی رسیده است که جواهری این وضعیت را مایهٔ درد و رنج گذشتگان می‌داند:

هَذِهِ الدُّوْرُ الَّتِي شَيَّدَهَا لِلْسِّمَا «مُتَّصِرٌ» أَوْ «مُسْتَعِينٌ»

كُلُّهَا تُصْبِحُ إِرْثًا ضَائِعًا لِيُنْحَ هَارُونَ وَ لِيَبِكَ الْأَمِينُ

(همان، ص ۱۵۶)

این بناهایی که مستنصر و مستعین که آن را تا عرش آسمان برافراشته‌اند... همه آنها ارثی نابود شونده می‌گردند تا هارون بر آنها به سوگ بنشیند «نوحه سر دهد» و امین بگریزد.

حفظ میراث ادبی گذشته

پایبندی جواهری به حفظ میراث گذشته در اشعارش پیداست. او اعتقاد داشت کسی که شعر بختری، ابونواس، ابن رومی، معری، دعبل، اخطل، ابوتمام و متنبی را حفظ نباشد و یا آیات قرآن، نهج البلاغه و نوشته‌های حافظ، ابن قتیبه، ابن اثیر و ابوالفرج را نخوانده و یاد نگرفته باشد، هرگز امکان ندارد شاعر و یا نویسنده شود. هر چند که میلیونها روایت و کتاب عرب و عجم را بخواند و پنجاه سال به بررسی اسالیب شعر و ادب غربی پردازد و یا بسیاری از زبان‌ها را فرا بگیرد (علوی، ۱۹۶۸، ۱۸۲). این سخن جواهری، یک حرف. او خودش از زمان نوجوانی هر روز یک خطبه از نهج البلاغه و قطعه‌ای از أمالی أبوعلی قالی و قصیده‌های متنبی را می‌خواند و حفظ می‌کرد.

جواهری در قصیده «علی أطلال حیره» به سبک پیشینیان توجه دارد و به همان روش سؤال گونه قدیمی مطلع اشعارش را آغاز می‌کند:

وَقَفْتُ عَلَيْهِ وَ هُوَ رَمَّةُ أَطْلَالٍ أَسْأَلُهُ عَنِ سِيرَةِ الْعُصْرِ الْخَالِيِ
مَضُوا أَهْلُهُ عَنْهُ وَخُلِفَ مُوحِشًا معاصرَ أجيالٍ مُترجمَ أحوالٍ

(دیوان، ج ۱، ص ۱۲۱)

بر سرزمین حیره که ویرانه‌های بجا مانده بود، ایستادم در حالی که درباره رسوم و احوال زمان‌های گذشته می‌پرسیدم. آن سرزمینی که ساکنانش از آنجا رفته‌اند، تنها رها شده است، در حالیکه با نسل‌هایی همزمان شده که گویای حال گذشتگان است.

او در قصیده «ذکری الربیع» بعد از این که به توصیف بهار می‌پردازد و به قدرت خداوندی برای زنده شدن دوباره زمین و حاصلخیزی آن اعتقاد دارد به داستان قیس و لیلی و شیرین و فرهاد اشاره می‌کند:

لَمْ يُبَلِّ «قیس» و فرهاد» كَمَا بُلِّيتُ لیلی بقیس و شیرین بفرهاد
(الجواهری، ۱۹۸۶، ص ۶۵)

وی در قصیده‌ای که در مدح ابوالعلا معری می‌سراید به سبک قدیم آن را آغاز می‌کند:

قِفْ بِالْمَعْرَةِ وَ امسحْ خَدَّهَا التُّرْبَا واستوحِ مَنْ طَوَّقَ الدُّنْيَا بِمَا وَهَبَا
واستوحِ مَنْ طَبَّبَ الدُّنْيَا بِحِكْمَتِهِ وَ مَنْ عَلَى جُرْحِهَا مِنْ رُوحِهِ سَكَبَا
(دیوان، ج ۲، ۱۸۶)

اتحاد جهان اسلام

اگر چه بسیاری از شاعران میهنی، تنها به وطن خود پرداختند و تعصب خاصی نسبت به مرز و بوم خود نشان دادند، ولی جواهری از معدود شاعرانی بود که نجات کشورهای اسلامی را در گرو یگانگی آنها قلمداد کرده و از نظر او اصل وحدت، یگانه عامل نجات ممالک اسلامی از زیر یوغ استعمارگران است. وی برای رسیدن به آرمانش و به منظور رفع مشکلات، به وحدت جهان اسلام اعتقاد داشت. شاعر یکی بودن خاک و مشابهت چهره‌ها و اشتراک زبان عربی و یکی بودن کتاب دینی «قرآن» و مصیبت‌های مشترک را از عوامل اصلی وحدت به شمار می‌آورد:

أَحَقًّا بَيْنَنَا اخْتَلَفَتْ حُدُودُ وَ مَا اخْتَلَفَ الطَّرِيقُ وَ لَا التُّرَابُ
و لا افترقت وجوهٌ عن وجوه وَ لَا الضَّادُ الفَصِيحُ وَ لَا الكِتَابُ
ثِقُوا أَنَا تَوَحَّدْنَا هُمُومٌ مُشَارَكَةٌ وَ يَجْمَعُنَا مُصَابُ

(همان، ص ۱۹۸)

آیا درست است که مرزها، میان ما اختلاف افکنده، در حالی که راه و خاک ما یکی است. چهره‌ها تفاوت ندارد و زبان فصیح عربی و کتاب دینی از هم جدا نشده

است. مطمئن باشید که اندوه‌های مشترک ما را به هم پیوند می‌دهد و درد، ما را گرد هم می‌آورد.

می‌بینیم که جواهری اتحاد جهان اسلام را در سایه کتاب مشترک قرآن می‌داند. افزون بر آن، جواهری زبان عربی و به طور خاص تلفظ «ضاد» را که تنها برای عرب‌های اصیل قابل تلفظ بود، نماد اتحاد همه عرب‌ها به شمار می‌آورد.

شرق نیز برای بسیاری از شعرای میهنی معاصر به ویژه جواهری، نماد وطن بود. توجه به مشرق زمین با گردن افرازی استعمارگران در مشرق زمین به اوج رسید. عواملی از قبیل پیروزی ژاپن بر روسیه در سال ۱۹۰۴، اشتراکات مذهبی و دینی در بین اکثریت مردمان شرق، فقر اقتصادی و... سبب شد تا جواهری بر شرق نیز همچون میهن خویش حسرت بخورد و از نفوذ استعمارگران و ستم آنها در مشرق زمین بگوید:

أَيُّهَا الْوَحْشُ تَسْمَعُ تَسْمَعُ صَرَخَاتِ الْحِقْدِ تَطْوِي الْمَشْرِقِينَ

ای استعمارگر بشنو بشنو: فریادهای کینه که شرق و غرب را در نور دیده است.

جواهری در قسمتی از اشعارش به صراحت اعلام می‌کند که خواهان همبستگی میان همه ملت‌ها از فارس و ترک و عرب و کرد و... است:

أَنَا شَاعِرٌ يَبْغِي الْوِفَاقَ مُوَحَّدٌ بَيْنَ الشُّعُوبِ سَبِيلُهُ الْإِرْشَادُ

ما الفُرسُ و الأعرابُ إلا كفتنا عدلٌ و لا الأتراك و الأكرادُ

لم تكفنا هذى المطامعُ فرقةً حتّى تُفرّقَ بيننا الأحقادُ

(دیوان، ج ۱، ۹۵)

جواهری باز در ابیاتی دیگر یکی بودن مرزها را به پیش می‌کشد:

لَا لَنْ تُفَرِّقَنَا الْحُدُودُ و لَمْ تَكُنْ تَدْرِي الْحَوَاجِزَ إِخْوَةً جِيرَانُ

(همان، ص ۸۶)

هرگز، مرزها ما را از هم دور نخواهد کرد. ولی برادران همسایه، موانع را نمی-

شناسند.

نتیجه‌گیری

جواهری بیش از هر شاعر عراقی هم عصرش توانست شعر خود را با خواسته‌ها و نیازهای ملت هماهنگ سازد. او می‌دانست آزادی و دست یافتن بدان تنها راه نجات قوم و ملت عراق است. وی به دفاع از حیثیت و استقلال وطن خود برخاست و در صف مجاهدان و آزادی‌خواهان، قریحه و استعداد خود را در اختیار این مرز و بوم قرار داد.

با بررسی اشعار جواهری در می‌یابیم که ملی‌گرایی از دید او حقیقتی است زنده و جاودان. ارزش‌های ملی‌گرایی او چیزی غیر از حقیقت، نیکی، عدالت و وحدت نیست. ملی‌گرایی در اشعار او یعنی تلاش برای هدف ملی و اراده‌هایی برای پیشرفت روشن است هرکجا جریان پیشرفت ملت کندگردد و یا شرایط و اوضاع موجود جامعه دچار خطر گردد، اندیشه ملی‌گرایی او بیدار گشته و برای تحقق بخشیدن آرمانش در پی گشودن مشکلات بر می‌آید.

آنچه که مهم به نظر می‌آید، آن است که دیدگاه ظلم ستیزی جواهری نه تنها کشور عراق، بلکه جهان اسلام را نیز شامل می‌گردد. در واقع اشعار او بیانگر هویت ملی اسلام و عرب‌ها است. وی با تکیه بر اصل اسلام، یکپارچگی را در دستور کار خود قرارداد و خواستار همبستگی جهان اسلام گردید. فراوانی اشعار او درباره کشورهای مختلف نشان می‌دهد که جواهری بی‌هیچ تعصب خاصی این اشعار را سروده است.

بنا به قول عبد الحسین شعبان، شعر، همان جهان جواهری است. جهان فریاد، متلاطم و پرشده از تناقضات، جهان بی‌پرده جواهری است. پنهان‌کاری نمی‌شناسد. در پایان آنچه که شایسته این شاعر بزرگ است باید بگوییم که جواهری با تکیه بر اصل اسلام، یکپارچگی را در دستور کار خود قرار می‌دهد و همبستگی جهان اسلام را می‌جوید. او هیچ‌گاه خود را تخته‌بند تاریخ خود و مکان جغرافیایی خاص نکرده است.

منابع

- امین مقدسی، ابوالحسن، ادبیات تطبیقی با تکیه بر مقارنه ملک الشعراء بهار و امیرالشعراء شوقی، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۶
- جبران، سلیمان، مجمع الأضداد، دراسة فی سیرة الجواهری وشعره، چاپ اول، بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات والنشر، ۲۰۰۳
- الجواهری، محمد مهدی، الجواهری فی العیون من أشعاره، دمشق، المؤسسة العربیة للدراسات والنشر، ۱۹۸۶
- _____ دیوان الجواهری، ج ۱، ۲، ۳، ۴، الطبعة الثالثة، بیروت، دار العودة، ۱۹۸۲
- _____ ذکریاتی، جلد ۱ و ۲، دمشق، دارالرافدین، ۱۹۸۸
- الجیوسی، سلمی الخضراء، الإتجاهات و الحركات فی الشعر العربی الحدیث، چاپ اول، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة
- الخان، ولیم، الشعر و الوطنیة فی لبنان و البلاد العربیة (من مطلع النهضة إلى عام ۱۹۳۹)، چاپ دوم، بیروت: دارالمشرق، ۱۹۸۶
- الخوری، أنیس، الإتجاهات الأدبیة فی العالم العربی الحدیث، الطبعة السادسة، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۷۷
- داوری، رضا، ناسیونالیسم و انقلاب، چاپ اول، وزارت ارشاد، ۱۳۶۳
- شعبان، عبد الحسین: الجواهری، جدل الشعر والحیة، الطبعة الأولى، بیروت: دارالکنوز الأدبیة، ۱۹۹۷
- شورای نویسندگان، تاریخ سیاسی عراق، موسسه انتشاراتی جهان اسلام، ۱۳۷۳ش
- عزّ الدین، یوسف، الشعر العراقي أهدافه وخصائصه فی القرن التاسع عشر، دارالمعارف
- علوی، هادی، الجواهری دراسة نقدیة، بغداد: دارالترجمة، ۱۹۶۸
- ماتیل، الکساندر، دایرة المعارف ناسیونالیسم، ترجمه کامران فانی و دیگران، کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه تهران، ۱۳۸۳
- نظمی، عبد الرزاق، معجم العراق سجل تاریخی، سیاسی، اقتصادی، ثقافی، فی العراق منذ العهد العثماني حتى اليوم، الجزء الأول، بغداد: مطبعة النجاح، ۱۹۵۳
- نقوی، علی محمد، اسلام و ملی گرایي یا ناسیونالیسم از دیدگاه اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳

۲۰۲ / ادب عربی، شماره ۱، سال ۴، بهار ۱۳۹۱

نیک آیین، حشمت الله، ناسیونالیسم عرب از آغاز جنگ جهانی اول تا پایان جنگ جهانی دوم،

پایان نامه، ۱۳۵۴

الواعظ، رؤوف، الإتجاهات الوطنية فى الشعر العراقى الحديث، بغداد: دارالحرية، ۱۹۷۴

SID